

اخلاق و معنویت بایسته فرهنگی تحقق آرمان شهر مهدوی

محمد مهدوی^۱

صفیه جعفرپور^۲

چکیده

حرکت به سوی ظهور و زمینه‌سازی برای درک آرمان شهر مهدوی، که طبق وعده الهی و به اعتقاد شیعه با ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) محقق می‌شود. ملزوماتی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، آراستگی به اخلاق و معنویت است. تکامل دینی بیشتر، نیازمند ارزش‌هایی فراتر از حد ضرورت شریعت است که این ارزش‌ها در اخلاق نمودار می‌گردند. آن چیزی که اکنون جهان بشریت نیاز آن را احساس می‌کند معنویت است و جامعه بشری در عصر حاضر از کمبود معنویت و نیاز شدید به معنویت رنج می‌برد، بنابراین آنچه که می‌تواند به نیازهای روحی بشر مضطرب و مأیوس کنونی پاسخ دهد، گره خوردن مهدویت با معنویت و اخلاق است. زیرا زندگی بشر بدون معنویت فاقد ارزش و جایگاه انسانی است. براساس آن چه گذشت، این پرسش قابل طرح خواهد بود که با توجه به شرایط خاص عصر غیبت، در یک مؤمن منتظر - که در عصر غیبت زندگی می‌کند - چه ویژگی‌های اخلاقی‌ای باید برجسته‌تر و استوارتر باشد و این شرایط خاص برای مؤمن چه الزامات اخلاقی ویژه‌ای را برای تحقق آرمان شهر مهدوی ایجاب می‌کند؟ یافته‌های تحقیق که مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و از نوع اسنادی صورت گرفته، زمینه را برای زیست اخلاق مدارانه در عصر آکنده از ابتلائات و فتنه‌های آخرالزمان فراهم خواهد کرد و به مؤمنان خواهد آموخت که اگر بخواهند در این شرایط دشوار بر مدار اخلاق و فضیلت‌ها حرکت کنند، باید در وجود خود کدام یک از فضیلت‌های اخلاقی را تقویت نمایند، تا بتوانند از زمینه سازان آرمان شهر مهدوی باشند.

کلید واژه: فرهنگ، آرمان شهر، مهدویت، معنویت، ارزش‌های اخلاقی، امام مهدی (عج).

مقدمه

اسلام دینی اجتماعی است که احکام فردی آن نیز آهنگ اجتماعی دارد. هدف اسلام، نه تنها ساختن فرد دین‌دار، که جامعه‌ی دین‌دار است؛ جامعه‌ای که روابط اجتماعی آن بر اساس اهداف و احکام دین سامان گیرد، و سعادت جامعه پیوند خورده و میان مسئولیت‌های اجتماعی و ایمان اسلامی ارتباطی قوی و غیر قابل انفکاک به وجود می‌آید.

جامعه آرمانی، جامعه‌ای است که پارسایان در آن به امامت، نه فقط حکومت می‌رسند. بدین ترتیب، بر اثر خداشناسی، خداپرستی، اطاعت کامل و دقیق از اوامر و نواهی الهی، کسب رضای خدای متعال و تقرب به درگاه او، جامعه آرمانی اسلام به هدف نهایی خود که استکمال حقیقی انسان‌هاست، دست می‌یابد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۴۱۴)

^۱ دکتر، mahdavi319@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد، jafarpour1390@yahoo.com

و در سایه این کمال انسانی است که آرزوهای همیشگی بشر محقق می‌گردد؛ آرزوهای همچون حاکمیت کامل عدالت، آزادی و صلح، حکومت جهانی واحد، آبادانی کامل زمین، بلوغ فکری، رفع کامل فساد و جنگ و شرارت، و سازگاری انسان با طبیعت. (مطهری، ۱۳۷۶: ۶۰)

در بینش مسلمانان (خصوصاً شیعیان)، بنیان‌گذار جامعه‌ی آرمانی اسلام، امام مهدی (عج) یا آخرین امام از خاندان پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله است که اکنون غایب است. وی با اراده و کمک خداوند، آشکار می‌شود و قیام می‌کند و ستم‌جehl و فقر را از جهان، ریشه کن می‌سازد و با گسترش آگاهی و عدالت، حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد و با رفع فقر و تبعیض و دیگر موانع تعلیم و تربیت و تعالی و توسعه، زمینه را برای رسیدن جهانیان به سعادت حقیقی، فراهم خواهد ساخت. (صاحبی، ۱۳۸۲: ۴۲۰)

آرمان شهری که شیعه در فرهنگ مهدوی ترسیم می‌نماید زمینی و واقعی است و فرجام بشر در آن خجسته و مقرون به سعادت است. (نور: ۲۴: ۵۵) بر همین اساس، جهانی که در اندیشه مهدوی ترسیم می‌گردد آرمانی و کمال مطلوب بوده، تمام فضایل و ارزش‌های والای بشری در آن تحقق می‌یابد. (مرتضی مطهری، ۱۳۷۱: ۵۲) برای تحقق آرمان شهر مهدوی در حوزه توجه به ارزش‌های اساسی و احیاء آنها هر یک از افراد جامعه الزامات و وظایف فرهنگی در توجه به معنویت و فضایل اخلاقی دارند. چون در سایه سار جامعه اخلاقی ایده‌آل، آیین درست زندگی و راه و رسم حیات آفرین فراروی بشریت قرار می‌گیرد و خوشبختی دایمی را برای آدمی و پاکیزگی و شایستگی حقیقی را برای کل اعضای جامعه‌ی اسلامی به ارمغان می‌آورد. به دلیل اهمیت این مسأله و تفهیم این نکته که اخلاق اسلامی در پرتو حضور اجتماعی و گسترده‌ی روابط حسنه اخلاقی در اجتماع، دارای ارزش و اعتبار است، لازم است بار دیگر به معنویت و فضیلت‌های اخلاقی توجه نموده و همه‌ی افراد جامعه را به سوی این فضایل رنگ باخته و ارزش‌های مغفول دعوت کرد. از این رو پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی- تبیینی خواهان پاسخ به این سوال اساسی است که بایسته‌های فرهنگی معنویت و فضیلت‌های اخلاقی در رساندن انسان به آرمان شهر مهدوی به عنوان هدف نهایی برنامه نظام‌مند اسلام چیست و چگونه آرمان شهر مهدوی را برای انسان محقق می‌سازد؟

در دوران معاصر محققان در حوزه مباحث معنویت و ارزش‌های اخلاقی مهدویت به نگارش‌های متعددی دست زده‌اند. در مقاله «ویژگی‌های اخلاقی جامعه‌ی مطلوب در اندیشه‌ی علامه طباطبایی» اثر مهدی سلطانی (۱۳۹۰) اخلاق با ملکات نفسانی، تزکیه و تهذیب نفس، اعمال و رفتار فردی و روابط اجتماعی انسان ارتباط عمیق دارد. وجود جامعه‌ی اخلاقی مطلوب باعث تنظیم روابط انسان با خدا و نیز ارتباط او با اعضای جامعه شده، و رستگاری و کمال فرد و اجتماع انسانی را تضمین می‌کند.

مقاله «شرایط عصر غیبت و الزامات اخلاقی آن» نوشته نصرت‌الله آیتی (۱۳۹۳) بیان می‌دارد در عصر غیبت منتظران برای رویارویی درست با مشکلات و مسائلی خاص باید در خود صفات اخلاقی به خصوصی را توسعه داده و تقویت نمایند.

مقاله «بایسته‌های تعالی اخلاق فردی و اجتماعی در پرتو خوانش زبان شناختی قرآن کریم» نوشته کبری راستگو و سید معصوم حسینی (۱۳۹۸) پاره‌ای از بایسته‌های قرآنی را که موجب تعالی اخلاق فردی و اجتماعی انسان‌ها بالاخص مسلمانان می‌شود، کشف و تحلیل نماید.

با بررسی‌های انجام شده پایان نامه یا مقاله‌ای که جامع «بایسته‌های فرهنگی معنویت و فضیلت‌های اخلاقی برای تحقق آرمان شهر مهدوی» باشد؛ تألیف نشده و لیکن در آثار اندیشمندان با موضوع مرتبط با «مهدویت» به صورت جزئی و در کنار سایر بخش‌ها به این موضوع اشاره گشته است. این پژوهش در پی آن است که بایسته‌های فرهنگی آرمان شهر مهدوی را در حوزه معنویت و فضیلت‌های اخلاقی مورد بررسی قرار دهد.

الف. مفهوم شناسی عناصر محوری

مفاهیم و نظریه‌ها، سنگ بنای شناخت پدیده‌ها را شکل می‌دهند. شایسته است ابتدا به ارکان مفهومی و سپس به بایسته‌های فرهنگی تحقق آرمان شهر مهدوی در حوزه باورها اشاره شود.

مهدویت

مهدویت: اعتقاد به پدید آمدن حکومت عدل همگانی توسط حضرت مهدی (عج) است. (تونه‌ای، ۱۳۸۹: ۷۱۱) بعبارتی منظور از مهدویت، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، رفتارها، نمادها و شعاری است که در پرتو اعتقاد به امام دوازدهم شیعیان و منجی بودن ایشان در آخرالزمان شکل گرفته است. (پرهیزگار، ۱۳۹۳، ص ۲۰)

مهدویت، اندیشه‌ای است که آثار اجتماعی بسیاری دارد. مهمترین آن‌ها، از بین بردن ناامیدی از پیکره اجتماع است. مهدویت، یعنی امیدواری به آینده‌های روشن و پیام‌رهای بخش به بشر سرخورده و ستم‌دیده و این که روزی مردی الهی خواهد آمد و آن چه بدان امید دارند تحقق خواهد بخشید. (مهدوی، جعفرپور، ۱۳۹۸: ۴/الف)

آرمان شهر

آرمان شهر در لغت به معنی شهر آرمانی و ایده‌آل است و در اصطلاح، جامعه‌ای والاست که در آن، همه امور بر وفق مراد و مطابق میل باشد، جامعه‌ای که در آن نه خبری از ظلم و تبعیض، نه اثری از جنگ و ستیز و نه رد پایی از جهل و فقر یافت شود. (احمدی و زمانی، ۱۳۹۰: ۵۹-۲۹)

در حقیقت، آرمان شهرها بازتاب شرایط عینی جامعه‌اند. نویسنده یا طراح آرمان شهر که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خویش یا از اوضاع حاکم بر جهان ناخرسند است و شرایط عینی را با تصورات ذهنی و آرمان‌های خویش ناسازگار می‌یابد، می‌کوشد تا با ارائه طرحی آرمانی، وضع موجود و ارزش‌های آن را انکار کند. با این حال، آرمان شهر تنها وسیله گذار از عینیت به ذهنیت و پناه بردن به تخیل صرف نیست، بلکه بازآفرینی ذهنی جامعه به قصد انتقاد از نظام مستقر است و محکی برای سنجش وضع موجود و آشکار ساختن نارسایی‌ها و ناروایی‌هایش می‌باشد. (اصیل، ۱۳۸۱: ۱۶)

آرمان‌خواهی، بزرگ‌ترین انگیزه تکاپوی آدمی برای رسیدن به تکامل است تا هرگز در حصار واقعیت محدود و ثابت طبیعت در بند نشود و همواره به تفکر و ابتکار مادی و معنوی وادار گردد. آرزوی به زیستن که در طول تاریخ از آدمی جدا نشده، به گونه‌های مختلف تبلور یافته است و اندیشمندان هر عصری برای تحقق آن، چاره‌ها اندیشیده‌اند. این زندگی آرمانی، در قالب «اتویا» یا «مدینه فاضله» مطرح شده که در آن از نابسامانی و دغدغه‌های جوامع موجود، نشانی نیست. (مطلبی و محمد مهدی نادری، ۱۳۸۸: ش ۱۲۹/۶)

فرهنگ

در لغت فرهنگ به معنای تعلیم و تربیت، پرورش، عقل، ادب، بزرگی، سنجیدگی (تبریزی، ۱۳۱۷: ۱۰۱۲/۲) بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن آمده است. (دهخدا، ۱۳۴۱: ۲۲۷/۳)

فرهنگ عبارت است، مجموعه‌ای از ارزش‌های مادی و معنوی است که در آداب و رسوم، زبان، ادبیات، مقررات، عقاید، هنرها و سایر میراث‌های فرهنگی تجلی می‌یابد و بر راه و روش زندگی مردم اثر می‌گذارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۱۲/۱) در تعریف دیگر گفته شده است: «فرهنگ کلیت درهم تافته‌ای است شامل؛ دانش، دین، هنر، قانون اخلاقیات و هر گونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد». (آشوری، ۱۳۵۷: ۷۱)

سخن آخر، در اصطلاح فرهنگ به مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها گفته می‌شود که افراد انسانی در طول سالیانی طولانی بدان دست یافته‌اند و آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند.

معنویت

معنی لغوی معنویت یعنی شناخت و باور داشتن حقیقت بی‌انتهای هستی و هماهنگی و تنظیم همه حرکات و رفتارها براساس آن واقعیت اصیل و معنی اصطلاحی معنویت شیوه‌ای است که در آن، شخص بافت تاریخی خویش را درمی‌یابد و در آن زندگی می‌کند. جست و جویی برای انسان شدن و آگاهی در زندگی می‌باشد. (غباری بناب، سلیمی، سلیمانی و نوری مقدم، ۱۳۹۰: ش ۱۰/۱۲۵-۱۴۷)

معنویت یکی از نیازهای اساسی انسانی است. در معنویت مورد تأیید اسلام، به پرسش‌های بنیادین انسان در باب هستی‌شناسی، حقیقت انسان، غایت و هدفمندی و فلسفه آفرینش پاسخ‌هایی معرفتی در اختیار می‌نهد. البته انسان در زندگی خود همواره به عواملی بر می‌خورد که او را از یاد خدای بزرگ و متعال دور می‌گرداند، علت اصلی غرق شدن آدمی در غفلت از خدا را می‌توان به فراموشی خدا، هدف آفرینش و خود دانست. انسان برای دستیابی به معنویت نیازمند آن است که بینش خود را در باب خود، خدا و فلسفه آفرینش تصحیح نماید. (مظاهری، رحیمی، ابراهیم پور سامانی، ۱۳۹۷: ش ۲/۶)

ارزش‌های اخلاقی

ارزش‌های اخلاقی ارزش‌هایی هستند که از ارتباطات حقیقی بین افعال اختیاری انسان و کمالات تکوین نفس انسانی پدید می‌آیند. به بیان دیگر، همه‌ی انسان‌ها، کمابیش، استعداد رسیدن به مجموعه‌ی از کمالات حقیقی را دارند و هر فعل اختیاری به اندازه‌ای که وصول به آن کمالات را آسان یا دشوار کند، ارزش اخلاقی مثبت یا منفی خواهد داشت. این ارزش‌هی اخلاقی حقایقی هستند که، با قوه‌ی عقل کشف می‌شوند و در موارد ناتوانی عقل، وحی آن‌ها را تبیین می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۲۰۵-۲۰۹) ارزش‌های اخلاقی، در خارج شمانت اجرایی ندارند، بلکه ضامن اجرایی آن‌ها وجدان است که امری داخلی است، یعنی وجدان اخلاقی است که شخص را وادار به رعایت می‌کند. در واقع، عمل اخلاقی قائم به نیت است؛ بر این اساس، عمل انسان در صورتی اخلاقی است که به قصد ریا و خودنمایی نباشد و گرنه ارزشی ندارد. پس اخلاق مرهون نیت صالح است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۴۶)

۱-۵-۱. عناصر فعل اخلاقی

یک فعل در صورتی اخلاقی است که سه عنصر زیر را داشته باشد:

اول - مطلوبیت

مطلوبیت، در ذات معنای ارزش نهفته است، یعنی اخلاق، اقتصاد، سیاست و... به این صفت وابسته‌اند. هر چند مطلوبیت در اخلاق مانند مطلوبیت در اقتصاد و سیاست نیست، زیرا در اقتصاد اگر مطلوبیت و سودمندی نباشد، آن فعل اقتصادی ارزشی ندارد. در اخلاق، اما، این گونه نیست که اگر فعلی مطلوب نباشد، مصادیق اخلاقی مانند عدالت و صداقت ارزش خود را از دست بدهند. زیرا سودمندی یکی از عناصر ارزش اخلاقی و مقوم آن است و باید چند قید دیگر به آن ضمیمه شود تا بتواند معیار ارزش اخلاقی باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۳۹)

دوم - اختیار

نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی در انسان ثمره‌ی رفتار اختیاری انسان است. بنابراین رفتارهای انسان از لحاظ اخلاقی زمانی ارزشمند هستند که اختیاری باشند. اگر کسی از روی ترس یا اجبار راست بگوید یا عدالت بورزد، این عمل او ارزشمند نیست، زیرا رفتار او خالی از اختیار است. بنابراین فعل اخلاقی انسان زمانی مطلوب است که نتیجه‌ی اختیار او باشد.

سوم - مطلوبیت انسانی

انسان به طور طبیعی در زندگی گرسنه و تشنه می‌شود و برای اشباع غریزه‌اش غذا می‌خورد و آب می‌نوشد. بنابراین آب نوشیدن برای او مطلوب است؛ این عمل نیز کاملاً اختیاری است. با توجه به اصل اختیار، برطرف نمودن نیازهای نیز باید

ارزش‌های اخلاقی محسوب گردد، اما می‌دانیم که نوشیدن آب عمل اخلاقی نیست. این جا سؤالی پیش می‌آید: اعمالی که برای برطرف نمودن غرایز طبیعی انسان از او صادر می‌شود و اختیاری است، اگر به لحاظ اخلاقی مطلوب نباشد، چرا باید از او سر بزنند؟ برای پاسخ به این سؤال باید قید دیگری به عناصر فعل اخلاقی اضافه کرد و آن انسانی بودن مطلوبیت است. روح انسان خواسته‌هایی دارد که گاهی منبعث از غرایز حیوانی او مانند خوراک، حفظ جان و ... است و گاهی نیز فراتر از غریزه مانند شجاعت، عدالت و ... است. بنابراین فعل انسان زمانی ارزش اخلاقی خواهد بود که با انگیزه‌ی برطرف نمودن خواسته‌های فوق غرایز حیوانی انجام گیرند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۴۶)

بایسته‌های آراستگی به معنویت و فضیلت‌های اخلاقی

یکی از مهمترین بایسته‌های زمینه‌سازی آرمان شهر مهدوی در حوزه ارزش‌ها، آراستگی به اخلاق و معنویت است. معنویت و اخلاق، «نیاز اصلی جامعه» هستند؛ به طوری که بودن آنها، جامعه را حتی با کمبودهای مادی، «بهشت» می‌سازد و نبودن آنها حتی با برخورداری مادی، «جهنم» می‌آفریند. (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب: ۲۱ بهمن ۱۳۹۷)

برای رشد شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه بر جسته کردن ارزش‌های معنوی و رعایت فضیلت‌های اخلاقی الزامی است که عبارتند از:

کسب فضایل و مکارم اخلاقی در سایه ایمان به خدا

اولین و مهمترین مؤلفه جامعه مهدوی، ایمان قوی و باور عمیق مردم به خدا و معتقدات اسلامی می‌باشد که در اثر این ایمان، مردم با شور و اشتیاق فراوان و وصف نشدنی به دنبال کسب و گسترش فضائل اخلاقی و اعمال صالح هستند، در جامعه‌ای که ایمان مردم عاریه‌ای نباشد و از عمق جان و روح افراد و در اثر تربیت صحیح دینی تحت زعامت ولی و حجت خدا نشأت گرفته شده باشد اثری از گناه و خیانت و ظلم و بی‌عدالتی و تضییع حقوق مردم وجود نخواهد داشت از این رو خداوند در آیه ۵۵ سوره مبارکه نور اولین شرط تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را ایمان مردم دانسته است. (نور (۲۴) آیه ۵۵)

ایمان، بر طبق فرهنگ قرآن، صرفاً یک امر قلبی نیست. درست است که ایمان، یعنی باور، و باور مربوط است به دل، اما قرآن هر باوری را به رسمیت نمی‌شناسد. ایمان مجرد، ایمان قلبی خشک و خالی، ایمانی که در جوارح و اعضای مؤمن مشهود نیست؛ این ایمان از نظر اسلام ارزشمند نیست. ابلیس سالیانی خدای متعال را عبادت می‌کرد و دلش کانون معرفت خدا بود، اما در آن بزنگاه، در آنجایی که ایمان‌ها همه آنجا به کار می‌آیند؛ یعنی در هنگام انتخاب، در هنگام تعیین راه‌نمایی، این ایمان به کار ابلیس نیامد، این ایمان در همان دل ماند. ایمانی که فقط در دل بماند، می‌پوسد و می‌خشکد.

ایمان ارزشمند، ایمان آگاهانه است، ایمان توأم با درک و شعور است، ایمانی ست که از روی بصیرت، با چشم باز، بدون ترس از اشکال، به وجود آمده باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ۶۹)

آن ایمانی از نظر اسلام ارزش دارد که با عمل، با مسئولیت، با تکلیف، با تعهد همراه است. (همان، صص ۷۷-۷۸)

پس ایمان ترکیبی از شناخت، دلبستگی و جهت گیری عملی است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۸ / ۲۵۹)

به همین دلیل ایمان زمینه ساز عمل صالح شناخته شده و دو جمله به هم پیوسته «والذین آمنوا و عملوا الصالحات» چندین بار در قرآن تکرار شده است؛ یعنی در متن مفهوم ایمان، توصیه به رفتار شایسته نهفته است. به عبارتی، باور به خدا، نبوت، آخرت، نزول وحی و فرشتگان- که محورهای پنج گانه ایمان را تشکیل می دهد- التزام به عمل صالح و کارهای شایسته را همراه دارد. (بقره (۲) آیه ۱۷۷)

برای تحقق ظهور امام زمان علیه السلام وجود ایمانهای راسخ، گام های استوار و دلهای روشن نیز لازم و ضروری است. (سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۸) خداوند مؤمنان را به کسب ایمان و تقویت آن دعوت می نماید و می فرماید: «ما کسانی را نجات می دهیم که ایمان بیاورند و پرهیزگار باشند.» (فصلت (۴۱) آیه ۱۸)

توکل (تعهد دوجانبه خدا و عبد)

نشانه دیگر مؤمنین این است که بر پروردگار خود توکل و اتکاء می کنند. حقیقت مطلب این است که نفوذ اراده و رسیدن به مقصود در عالم ماده، به یک سلسله اسباب طبیعی، روحی و نفسانی نیازمند است، اگر انسان در میدان عمل کلیه عوامل مورد نیاز را آماده کند در چنین شرایطی اگر بر خدا توکل داشته باشد، اراده اش قوی و عزمش راسخ می گردد و موانع روحی در برابر آن خنثی خواهد شد، چون در مقام توکل با خدای که همه چیز در ید قدرت اوست، پیوند می خورد و با این پیوند دیگر جایی برای نگرانی و پریشانی خاطر باقی نمی ماند و با اراده بیشتر با موانع برخورد می کند. بعد دیگر توکل جنبه غیبی آن است که خداوند شخص متوکل را با امدادهای غیبی یاری می رساند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/ ص ۶۷)

چنین امدادهای غیبی را آیه شریفه زیرنویس می دهد. «و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است.» (طلاق (۶۵) : ۳) در سبک زندگی زمینه ساز ظهور توکل مفهومی زندگی بخش، محرک و حماسی دارد؛ اگر به این سخن گهربار امیرمؤمنان علیه السلام در مورد جایگاه اهمیت توکل به خداوند توجه کنیم: «هر کس به خدا توکل کند، دشواری ها برای او آسان می شود و اسباب برایش فراهم می گردد.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳: ۵۲۴) در می یابیم که شرایط دشوار عصر غیبت مستلزم آن است که هر شیعه منتظری در برابر مشکلات و گرفتاری ها به خداوند پناه ببرد و به او مدد جوید تا زمینه ظهور و تشکیل جامعه آرمانی شیعه فراهم گردد.

بنابراین منتظر حقیقی را بایسته است که به خدا تکیه کرده و فقط به او امید داشته باشد، مراقب قلبش باشد و این کالای با ارزش را به قیمت ناچیز شهوت و غفلت نفروشد، زیرا ارائه دهنده شهوت و غفلت کسی جز دشمن آشکار انسان نیست و ابلیس در صورت معامله ثمن و مثن را با هم می برد و چیزی جز زیان و نابودی برای فروشنده نخواهد بود. (جوادی آملی،

۱۳۸۷: ۱۹۱)

قدردانی از نعمت‌ها

شکر و سپاس، یکی از عالی‌ترین عوامل سازنده روح انسانی است. آغاز چنین معرفت و عمل، آغاز تکامل انسانی و برقراری یک ارتباط معقول میان او و جهان هستی و هم‌نوعان خویش می‌باشد. در راه وصول به چنین مقام والا، نخستین معرفتی که نصیب انسان می‌گردد، این است که اولاً می‌فهمد که به هیچ وجه از خالق هستی و فیض بخش کائنات، طلبکار نیست که در نتیجه آن چه را که در این زندگانی به دست می‌آورد، یک ضرورتی باشد که خداوند مجبور است آن را به مخلوقات خود بدهد؟ تنها چنین معرفت است که فیض بودن هستی را برای انسان قابل درک می‌سازد. یک نتیجه بسیار با اهمیت که از این درک حاصل می‌شود طراوت و انبساط و سرور درونی است که با غوطه‌ور شدن در مصائب و ناگواری‌های حیات طبیعی هرگز مختل نمی‌گردد. هر نعمتی شایسته شکر است که برای برآمدن از عهده حق آن نعمت بایستی آن را به جای آورد و خود این توجه و آگاهی تدریجاً می‌تواند اراده شکرگزاری را تحریک نموده و این کمال را نصیب انسان سازد. (علامه جعفری، ۱۳۵۹: ۱۲/۱۳-۱۰) با مراجعه به روایات می‌توان فهمید که برای شکر اقسامی را قائل شده‌اند:

الف) شکر قلبی: عبارت است از قصد تعظیم و تحمید و تمجید منعم و تفکر در صنایع و افعال و آثار لطف او و قصد رساندن خیر و احسان نمودن بر جمیع بندگان او. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۱۴۴/۷) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که خداوند به وی نعمتی داده و او قلباً آن را شاکر باشد، شکر آن را به جا آورده است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۶/۲) نیز فرمود: «خداوند به بنده ای نعمتی نداده است که وی به وسیله قلبش شاکر آن باشد، مگر اینکه خداوند آن نعمت را زیاد گرداند قبل از اینکه بنده، شکرش را بر زبان آورد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳/۷۱)

ب) شکر زبانی: سپاسگزاری و ستایش بر نیکی احسان‌کننده و صاحب نعمت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۶۱-۴۶۲)؛ اگر انسان مؤمن علاوه بر شکر قلبی، الفاظ دال بر شکر را نیز بر زبان بیاورد و مثلاً بگوید «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» به تعبیر امام صادق (ع) به یک معنا به تمام شکر رسیده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۶/۳) نیز می‌فرماید: «وقتی کسی از شما نعمتی را به خاطر می‌آورد، گونه بر خاک نهد و شکر خداوند نماید، اگر سواره است پیاده شود و چنین کند و اگر ممکن نیست یا ترس از ریا دارد، گونه بر محل مرتفع زین بگذارد، و باز اگر امکان ندارد، گونه بر کف دست بنهد (کف خود بر گونه گذارد) تا بدین وسیله، خداوند را به خاطر آن نعمت حمد گوید.» (کلینی، ۱۴۰۷: ح/۲-۱۷۳۱)

ت) شکر عملی: استعمال نعمت ظاهر و باطن است در طاعت و عبادت او و استعانت نمودن به آنها در نگهداری از معصیت و مخالفت او؛ چنانچه چشم را استعمال کند در مطالعه مصنوعات و قرائت کتاب خدا و تذکر علوم مأثوره از انبیا و اوصیا، علیهم السلام، و همین طور سایر جوارح.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۱۴۴/۷)

از نظر قرآن، طبیعت با تمام ذخائرش، هدیه‌ای است که در خدمت انسان قرار می‌گیرد تا با احساس آسایش و آرامش کامل به تعقیب اهداف پردازد. این حقیقت با دو تعبیر «خَلَقَ لَكُمْ» و «سَخَّرَ لَكُمْ» به صورت مکرر بیان شده است. «مگر نمی‌بینید که خدا هر چه را که در آسمانها و زمین هست رام شما کرد؟ و نعمتهای خویش را آشکارا و نهان بر شما کامل نمود؟ (و باز) بعضی از مردم بدون علم و هدایت و کتاب، در باره خدا مجادله می‌کنند.» (لقمان (۳۱): ۲۰)

در این آیه به دو نعمت اشاره شده است: نعمت ظاهری؛ مثل امور مادی که در سلامتی، رزق، روزی، فرزند خوب، همسر خوب، پدر و مادر مهربان و خوب، جامعه خوب و ... بروز و ظهور دارد و نعمت‌های باطنی که بسیار هستند، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «نعمت آشکار پیامبر و معرفت الله و توحید است که پیامبر صلی الله و علیه و آله آورده؛ اما نعمت پنهان ولایت ما اهل بیت علیهم السلام و پیمان دوستی با ماست.» (طبرسی، ۱۳۸۴: ۴۶۰/۷)

داشتن روحیه شکرگزاری از بایسته‌های سبک زندگی زمینه ساز ظهور است؛ زیرا منتظرشاکر نخست، در حوزه شناخت به درجه‌ای از رشد می‌رسد که نعمت و فرق آن با نعمت را می‌شناسد و پی می‌برد این نعمت از طرف چه کسی است. ثانیاً، روحیه شکرگزاری نشانگر سلامت در حوزه احساس و عواطف فرد منتظر نیز هست؛ زیرا اگر به آسیب‌هایی همچون غرور، بخل، کینه و حسادت مبتلا نباشد از صاحب نعمت تشکر خواهد کرد.

توجه به خویش جهت تزکیه و رشد معنوی و الهی

یکی از هدف‌های اساسی نزول قرآن و بعثت پیامبران، تهذیب و تزکیه‌ی نفس و پرورش نفوس انسان‌ها بوده است. آنجا که می‌فرماید: «خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آرایش پاک گرداند و به آنها احکام شریعت و حقایق حکمت بیاموزد هر چند قبلاً گمراهی آنان آشکار بود.» (آل عمران (۳): ۱۶۴)

قرآن در کنار یادآوری از تولد تمام انسان‌ها از یک پدر و مادر (آدم و حوا)، از کرامت ذاتی (اسراء (۱۷): ۷۰) و رشد و بالندگی آن با غذای تقوا (حجرات (۴۹): ۱۳) سخن می‌گوید که حقیقت آن را گرایش به خوبی‌ها و بیزاری از بدی‌ها تشکیل می‌دهد. سپس به قصد فراخوانی به خودپروری و ضرورت رشد شخصیت انسانی، تلاش‌های فردی و اجتماعی بشر را بازتاب شکل‌گیری حالات روحی آنها معرفی کرده و می‌گوید: «بگو هر کس طبق روش (وخلق و خوی) خود عمل می‌کند.» (اسراء (۱۷): ۸۴) با این زمینه‌سازی‌ها، قرآن دل‌ها را آماده می‌کند برای مطالعه این حقیقت که وضعیت ظاهری و بیرونی جامعه بر اساس سنت الهی، محصول و ثمره همگانی شدن خودسازی است که توسط خود افراد انجام می‌پذیرد.

شخصیت فردی و اجتماعی و سعادت یا شقاوت دنیوی و اخروی انسان به این موضوع بستگی دارد که چگونه خویشتن را ساخته و می‌سازد. (ابراهیم امینی، ۱۳۷۵: ۱۳) امام صادق علیه السلام وظیفه شیعه در زمان غیبت را تقوی و دوری از گناه و آلودگی و تمسک به دین الهی معرفی نموده و فرمود: «به راستی برای صاحب این امر، غیبتی است که پایبند به آن مانند کسی است که دستش را بر روی شاخه درخت خار کشد... آن گاه فرمود: برای صاحب این امر غیبتی است و بنده باید تقوای الهی پیشه سازد و متمسک به دینش باشد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱/ ۳۳۵)

امام صادق علیه السلام وظیفه شیعه در زمان غیبت را تقوی و دوری از گناه و آلودگی و تمسک به دین الهی معرفی نموده و فرمود: «به راستی برای صاحب این امر، غیبتی است که پایبند به آن مانند کسی است که دستش را بر روی شاخه درخت

خار کشد... آن گاه فرمود: برای صاحب این امر غیبتی است و بنده باید تقوای الهی پیشه سازد و متمسک به دینش باشد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۵/۱)

چنانکه در نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره آمده است. «هر مأمومی را امامی است که به او اقتدا می کند، و از نور علمش بهره می گیرد. آگاه باش امام شما از تمام دنیایش به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان قناعت نموده است.. بدانید که شما چنین نتوانید کرد. لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن.» (شهیدی، ۱۳۶۸: ۳۱۷)

انسان منتظر پیوسته مراقب مجموعه گفتارها و رفتارهایش خواهد بود تا موردی برخلاف رضای محبوبش از او صادر نشود و این مسئله در حقیقت به پالایش درونی و صفای باطن خواهد انجامید. به گونه ای که در پرتوی چنین مراقبه ای، قابلیت ارتقاء یافته و این خود به تحقق یک هدف تربیتی اخلاقی منجر می شود. البته این هدف مشروط به این است که عامل نظارت و کنترل فرد باید جنبه درونی داشته باشد نه بیرونی و این وضعیت درونی همیشه مستمر و پایدار است و به رفتار انسان جهت می بخشد. اگر انضباط اخلاقی و اصلاح مبتنی بر پایه های درونی باشد از دوام، استمرار، عمق و اخلاص ویژه ای برخوردار و از برخی آفات همچون تظاهر، ریا و گسیختگی و انقطاع عمل مصون خواهد بود. (شرفی، ۱۳۸۲: ش ۳۸)

یعنی انسان بتواند اراده ی الهی را بر نفس خودش ولایت بدهد و نفس خود را داخل ولایت الله کند. این، آن قدم اول و اساسی است و تا این نشود، قدم دوم هم تحقق پیدا نخواهد کرد. جانب و مرحله ی دوم این است که محیط زندگی را در ولایت الله داخل کند. یعنی جامعه، با ولایت الهی حرکت کند. هیچ ولایتی؛ ولایت پول، ولایت قوم و قبیله، ولایت زور، ولایت سنتها و آداب و عادات غلط نتواند مانع از ولایت الله شود و در مقابل ولایت الله عرض اندام کند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۳/۱۹)

تواضع و پرهیز از تکبر

از ویژگی های مؤمنان واقعی در آستانه ظهور تواضع و پرهیز از تکبر می باشد. خداوند متعال در سوره فرقان، در تبیین ویژگی های بندگان برگزیده اش می فرماید: «بندگان خاص خداوند رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند». (فرقان (۲۵): ۶۳) استکبار و خود برتر بینی، انسان را از خداوند غافل می کند و به ورطه هلاکت می افکند. این آفت زمانی خطرناک می شود که انسان بر اثر دارایی خدادادی، فکر قارونی و فرعونی داشته باشد و ثروت را حاصل تلاش های خویش و قدرت را محصول توانایی تدبیرش بیندارد، ثروتمندانی که در انتظار حضرت مهدی علیه السلام به سر می برند می-بایست بکوشند صفت تواضع را در خود ایجاد کنند؛ یعنی از درون و بیرون نفس خویش را در مقام فقر محض نسبت به خداوند متعالی بشناسند و دارایی و ثروت خود را از خدا دانسته و خود را در ردیف سایر بندگان خدا ببینند. (عبدالله جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۱۲)

تکریم مؤمنان همراه با ایثار و گذشت با دیگر مؤمنان و مسلمانان

در آموزه های ائمه علیهم السلام موارد بسیاری که تشویق به اقدام برای رفع نیاز انسان های مؤمن و حفظ کرامت آنان دارد به چشم می خورد. هر اقدامی که باعث خشنودی مؤمن شود و هر قدمی که در راه برطرف کردن مشکلی از مشکلات جامعه مؤمنان برداشته شود، مورد احترام و تمجید قرار گرفته است.

از بایسته های قرآنی مؤثر مثبت و حیاتی در تعالی زندگی فردی و اجتماعی، «قرض حسن» است که موجب اشاعه ی روحیه ی ایثار و همکاری و ابقای آدمیت و تعالی فرد فرد انسان ها و جوامع بشری می شود. این موضوع در آیه ی ۲۴۵ سوره بقره قابل بررسی است. «کیست آن کس که با پرداخت هزینه جهاد وامی نیکو به خدا دهد؟ هر کس چنین کند، خدا آن را برای او چندین برابر می کند، و خداست که از اموال شما می گاهد، و هموست که آن را گسترش می دهد و بر آن می افزاید، و شما به سوی او باز گردانده می شوید تا پاداش وامی را که به او داده اید، دریافت کنید. (بقره ۲) آیه ۲۴۵)

قرآن مجید با استعمال «قرض» به مخاطب تضمینی قطعی می دهد که در صورت وام دهی به خداوند، هرگز ضرری نخواهد کرد وقتی فردی به دیگری مالی را وام می دهد بر فرد مقروض واجب است که اصل آن وام را به صاحبش بازگرداند. حال آنکه طبق آیه ی فوق، خداوند تنها به بازگرداندن اصل وام بسنده نمی کند که با توجه به قرض دهنده و شرایط قرض و قرض دهی، چندین برابر آن قرض را به او برمی گرداند. (ازهری، ۱۴۲۱:۲۶۷)

با تأمل در قرآن می توان ملاحظه کرد که در ۶ آیه از آیات این کلام و حیانی، در مورد انفاق در راه خدا تعبیر به قرض و وام دادن به پروردگار آمده است و با اینکه خدا مالک حقیقی سراسر هستی است، و انسان ها تنها به اعتبار نمایندگی او، در بخش کوچکی از آن، تصرف می کنند ولی با این حال خود را در مقام استقراض از بنده اش قرار می دهد، آن هم استقراضی با سود بسیار فراوان! و این نهایت لطف خداوند را نسبت به بندگان از یک سو و کمال اهمیت مسأله ی انفاق را از سوی دیگری رساند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴:۲۲۶)

انسان های مؤمن و معتقد به ظهور حضرت حجت از آن جا که در انتظار دولت حق امام خویش اند، باید به دنبال آماده کردن بستری مناسب برای ظهور باشند.

این افراد چون پیوندی عمیق و ناگسستنی با اهداف و آرمان های امام موعود دارند، باید تمام تلاش خویش را صرف حرکت به سوی آن اهداف کنند و اساساً باید جهت گیری ها، گرایش ها، کوشش ها و تلاششان همسو با آن حضرت باشد. از آن جا که امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف یاور و حامی واقعی مؤمنان و دشمن سرسخت شکستن عزت و کرامت انسانی آنان است، جامعه منتظر ظهور و انسان های معتقد به موعود نیز باید در زمینه خواسته ها و هدف های امامشان عمل کنند و در جهت تکریم مؤمنان و حفظ عزت و احترام ایشان برخیزند.

تحصیل رضایت پروردگار

اصلاح انگیزه اعمال (نیت) و خلوص هر چه بیشتر از هر شائبه شرک و ریا در جمیع مراتبش، به گونه‌ای که چیزی جز اطاعت امر الهی و انجام دادن آنچه موجب رضای حق است در نیت انسان سهم نداشته باشد، از وظایف اهل انتظار است. (عبدالله جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۰۱)

در فرازی از حدیث معراج می‌خوانیم: «خدای تعالی فرمود، هر کس به مقتضای رضای من عمل کند من او را به سه خصلت وا می‌دارم، اول: شکری به او یاد می‌دهم که آمیخته با جهل نباشد. دوم: به ذکری موفقش می‌کنم که فراموشی در آن راه نداشته باشد. سوم: محبتی از خودم در دلش می‌اندازم که محبت هیچ یک از مخلوقاتم را بر آن محبت ترجیح ندهد. چنین کسی وقتی مرا دوست بدارد دوستش می‌دارم، و چشم دلش را بسوی جلال خود باز می‌کنم، و بندگان خاص خود را از او پنهان نمی‌دارم، و با او در تاریکی‌های شب و روشنی روز هم کلام می‌شوم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸ / ۷۷)

بنده‌ای که با ایمان، تقوا و ورع اراده و خواست خود را در مسیر مشیت و رضایت پروردگار قرار می‌دهد و رضایت و محبت خویش را تابع محبت و رضایت حضرت دوست می‌گرداند، مشمول الطاف و عنایات ویژه الهی قرار می‌گیرد و محرم اسرار و همراه و همنشین اولیای خاص الهی می‌گردد. بی‌شک برترین بنده خاص الهی در زمان ما حضرت مهدی (عج) است که توفیق دیدار و ملاقات با ایشان براساس این حدیث قدسی وابسته به جلب رضایت خداوند است. (حیدری کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰)

معیار رضایت و خوشنودی خداوند، رضایت و خوشنودی امام زمان علیه السلام است، امام در این زمینه می‌فرماید: «هریک از شما باید کاری را انجام دهد که او را به محبت ما نزدیک کند و از کارهایی که او را به ناراحتی و نارضایتی ما نزدیک می‌کند، بپرهیزد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۴ / ۱۵۰)

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تبیینی در پاسخ به این سوال اساسی که «بایسته‌های معنوی و اخلاقی برای تحقق آرمان شهر مهدوی در حوزه فرهنگ کدامند؟»

کاربردهای «جامعه آرمانی دین» یعنی مهدویت در بدنه جامعه منتظر، به دلیل نقش انکار ناپذیر آن در تحقق الگویی که بتواند اهداف جامعه دینی را فراهم کند از جمله مسائل مهم و قابل توجهی است که مورد توجه محققان و اندیشمندان قرار گرفته است. در این میان تحقیق در زمینه الزامات و شرایط فرهنگی مناسب برای تحقق آرمان شهر مهدوی در حوزه معنویت و فضایل اخلاقی ضروری می‌نماید.

جامعه‌ای که ارزش‌های اخلاقی در آن پررنگ باشد و اکثر افراد خود را مقید به آن بدانند، جامعه‌ای پیشرفته محسوب می‌شود و افراد در این جامعه به راحتی پله‌های قرب الهی را طی می‌کنند و خود و دیگران را به سعادت می‌رسانند. از همین جاست که مواجهات سالم می‌شوند و تعاملات خالص می‌گردند و وحدت جایگزین تفرقه می‌شود و حریم افراد و شخصیت

انسانی و اسلامی آنان محترم شمرده می‌شود و رذیل اخلاقی رخت بر می‌بندند و فضایل اخلاقی رخت می‌افکند. برای رسیدن به این امر، تکلیف و الزامات فرهنگی به دوش افراد جامعه، عموم مردم و حاکمان نهاده شده است. ویژگی‌های اخلاقی‌ای همچون کسب فضایل و مکارم اخلاقی در سایه ایمان به خدا، توکل، قدردانی از نعمت‌ها، توجه به خویش جهت تزکیه و رشد معنوی و الهی، تواضع و پرهیز از تکبر، تحصیل رضایت پروردگار برخی از این الزامات اخلاقی هستند که در روایات نیز به صورت خاص بر آن‌ها تأکید شده است. بی‌گمان این تخصیص به ذکر، به سبب نقشی ویژه‌ای بوده است که این صفات اخلاقی در حیات مؤمنانه و زندگی متخلّقانه در عصر غیبت برای زمینه سازی تحقق جامعه آرمانی اسلام ایفا می‌کنند.

فهرست منابع

*قرآن کریم

منابع فارسی:

۱. آشوری، داریوش، تعریف و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آیت، ۱۳۵۷.
۲. اصیل، حجت‌الله، آرمانشهر در اندیشه ایرانی، ج ۲، تهران: نشرنی، ۱۳۸۱.
۳. امینی، ابراهیم، خودسازی یا تزکیه و تهذیب نفس، قم: شفق، ۱۳۷۵.
۴. پرهیزگار، غلام‌رضا، انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳.
۵. تبریزی، محمد حسین بن خلف، برهان قاطع، تهران: طبع کتاب، ۱۳۱۷.
۶. تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه، قم: مشهور و میراث ماندگار، ۱۳۸۹.
۷. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۲، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۸. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی (عج) موجود موعود، قم: اسراء، ۱۳۸۷.
۹. -----، تسنیم، ج ۱، قم: اسراء، ۱۳۸۸.
۱۰. حیدری کاشانی، محمد باقر، سلوک مهدوی، قم: سبط النبی، ۱۳۸۸.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن (سلسله جلسات استاد سید علی حسینی خامنه‌ای)، صهبا، ۱۳۹۲.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: دکتر معین، تهران: شرکت چاپ افست گلشن، ۱۳۴۱.
۱۳. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۴. صاحبی، محمد جواد، جهانی شدن و دین، فرصت‌ها و چالش‌ها (مجموعه مقالات چهارمین کنگره ی دین پژوهان کشور)، قم: احیاگران، ۱۳۸۲.
۱۵. مشکینی، علی، درس‌های اخلاق، ترجمه علیرضا فیاض، قم: مترجم، ۱۳۷۶.

۱۶. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات، ۱۳۷۹.
۱۷. -----، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۲ و ۱۳۹۰.
۱۸. -----، فلسفه اخلاق، امیرحسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
۱۹. -----، دروس فلسفه اخلاق اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۲، تهران: صدرا، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

منابع عربی:

۲۲. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: داراحیاء التراث العرب، ج ۸، ۱۴۲۱ق.
۲۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، شرح محمد تقی خوانساری، تهران: دانشگاه تهران، ج ۵، ۱۳۷۳.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۶.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۴، ۱۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، چاپ هشتم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۸۴.
۲۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحججه البیضاء، ج ۷، چ ۴، قم: جماعه المدرسین، ۱۴۱۷.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ۳، ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۴، ۷۱، ۷۳، ۷۷، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه وفا، ۱۴۰۳ق.

مقالات:

۳۱. احمدی، جمال، سارا زمانی، « بررسی آرمان شهر در اشعار فریدون مشیری، تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، ش ۹، ۱۳۹۰.
۳۲. شرفی، محمدرضا، مقدمه ای بر آثار تربیتی و روان شناختی انتظار، موعود، ش ۳۸، ۱۳۸۲.
۳۳. ناصح، علی احمد، «ویژگی های اخلاقی جامعه زمینه ساز ظهور یا محورهای اساسی اخلاق زمینه ساز در بعد اجتماعی»، پژوهش های مهدوی، سال دوم، ش ۸، ۱۳۹۳.
۳۴. غباری بناب، باقر. سلیمی، محمد. سلیمانی، لایلا. نوری مقدم، ثنا. هوش معنوی، فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی، ۱۳۹۰.

۳۵. مطلبی، مسعود و محمد مهدی نادری، بررسی تطبیقی مفهوم آرمان شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب، نشریه مطالعات سیاسی، ش ۶، ۱۳۸۸.
۳۶. مظاهری، حسین. رحیمی، داریوش و ابراهیم پور سامانی، جمشید. مؤلفه ها و شاخص های سبک زندگی اسلامی، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، شماره ۶، ۱۳۹۷.
۳۷. مهدوی، محمد و صفیه جعفرپور، «تأثیر انقلاب اسلامی در احیای آموزه‌های مهدویت»، دانشگاه تبریز: اولین همایش ملی انقلاب اسلامی کارآمدی، فرصت‌ها و چالش‌ها، ۱۳۹۸.

سایت‌ها:

۳۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانیه تفصیلی رهبر انقلاب در تبیین «گام دوم» انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۲۱ بهمن ۱۳۹۷.
۳۹. بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری، به مناسبت عید غدیرخم، ۱۳۷۲/۳/۱۹
۴۰. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱۰/۸.